



بیانات در مراسم بیعت دانشجویان - 23 / خرداد / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

در این روزهای بسیار مهم و حساس حیات سیاسی کشور که دل‌های همه‌ی ملت ما، مخصوصاً شما جوانان و دانشجویان و اندیشمندان را غم سنگینی از فقدان امام عزیزمان فرا گرفته و فضای ایران در سایه‌ی همدلی مردم و مصیبت بزرگ مشترکی که همه‌ی قلبها را فشرده و تمام چشمها را اشکبار کرده، بحمدالله به صفا و صمیمیت آغشته است، چه بهتر که در این فضای معنوی و محیط صمیمی، از اصلیت‌ترین و ضروریت‌ترین مسایل کشور سخن به میان آید و مؤثرترین قشرهای کشور، آینده‌ی انقلاب و کشور و خط صحیح و مستقیم نظام و آرمانهای روشن و منور را با خود مرور کنند و نسبت به آنها تصمیم قاطع بگیرند و حرکت جدیدی که مرهون برکات امام عزیزمان است، آغاز شود.

حقیقت آن است که این مرد بزرگ و شخصیت عظیم تاریخی، نشان داد که با حیات و وجود و تحرک و ابتکار و راهنماییهای خود که از روح بزرگ و دل روشنش برمی‌آمد، و همچنین با مرگ پُر حادثه و عروج ملکوتی خویش، به انقلاب و اسلام و مسلمین خدمت کرد. شخصیت این بزرگوار، حامل هدایت‌هایی است که برای سالهای متمادی امت اسلامی، درس و رهنمود و راهگشا خواهد بود. یکی از همین مسایل اساسی که جا دارد در فضای عمومی جامعه برای آن به‌طور جد فکر شود و تصمیم قاطعی اتخاذ گردد، مسأله‌ی دانشگاه و دانشجویان و علم و تحقیق است.

ما میتوانیم به صورت قاطع ادعا کنیم که در نظر رهبر کبیر فقید ما، مسأله‌ی دانشگاهها، جزو مسایل طراز اول برای انقلاب و کشور بوده است. یک وقتی در دیدار جمعی از مسؤولان فرهنگی کشور ایشان فرمودند: مسأله‌ی جنگ، یک امر موقت است؛ در صورتی که مسأله‌ی مهم و ماندگار و اساسی ما، دانشگاههاست. این، یک واقعیت است. دانشگاه که قوام اصلی آن به استاد و دانشجوست، حقیقتاً پایه‌ی برای آینده‌ی کشور محسوب میشود.

در نظام جمهوری اسلامی که یک نظام صددرصد مردمی است، دانشجو باید بارزتر از دیگر دانشجویان در هر جای دیگر دنیا، نقش داشته باشد. درست است که همه‌ی ملتها و جوانها به کشور و سرنوشت و ملتشان علاقه‌مندند، اما فرق است بین نظامی که براساس انقلاب مردمی و متکی به اراده و احساس عامه‌ی مردم بنا شده و حرکت کرده و با دشمن درافتاده و موانع را برداشته باشد و یکایک آحاد مردم با آن احساس پیوند عمیقی کنند، و نظامی که این چنین نباشد.

در این روزها، مظهر دیگری از این حقیقت آشکار شد. اگرچه در قضایای گوناگون انقلاب و در حضورهای سیاسی متنوع و متوالی و راهپیماییها و بسیج عمومی و در حرکت عظیم مردم به سمت جبهه‌های جنگ - قبل و بعد از آتش بس - این معنا ثابت شده بود، اما تبلیغات جهانی که سعی میکرد حقیقت را واژگونه جلوه دهد و نظام را جدا از مردم معرفی کند و آنها را نسبت به سرنوشت انقلاب، بیتفاوت وانمود کند، در این قضایا دچار بهت و حیرت و انفعال شد. امروز دنیا در مقابل حضور و هیجان عظیم مردم و پیوندی که با هزاران زبان به صورت فراموش‌نشده‌ی در فضای تاریخ و عالم منعکس شد، دچار انفعال است.



بارها در مجامع دانشجویی گفته‌ام که در این نظام مردمی، دانشجویان که طبقه‌ی پیشرو و پیشاهنگ و زبده و بانشاط پیکره‌ی اجتماع هستند، باید در سازندگی آینده و ترسیم حرکت عمومی جامعه، بیش از جاهای دیگر نقش و اثر داشته باشند. این تأثیر، با دو عاملی که باید در کنار هم باشند، تحقق پیدا میکند:

عامل اول، درس و علم و تحصیل است، تا نام دانشگاه و دانشجو و استاد و معلم معنا پیدا کند و امیدهایی که برای آینده‌ی کشور ترسیم میشود، پوچ و واهی و باطل نباشد. جوانها باید خوب درس بخوانند و اساتید هم باید آنها را تربیت کنند و آینده‌ی علمی و عملی کشور را تأمین و تضمین کنند. در کنار تحصیل، نقش تحقیقات، نقش فوق‌العاده مهمی است که باید مسؤولان به آن پردازند.

بنابراین، عنصر اول، عنصر درس و علم است که نمیشود آن را دست کم گرفت و نقشش را کوچک انگاشت و به آن بیاعتنایی کرد. برادران و خواهران عزیز دانشجوی من، به این نکته توجه کنند. هیچ چیز نباید موجب شود که در حرکت علمی آنها، اندک توقف و تعللی به وجود آید. دشمن این را میخواهد. نباید بگذارید او به اهدافش برسد. علی‌رغم خواست دشمن، باید حرکت علمی در کشور شکوفا و امیدبخش و آینده‌نگر باشد.

عامل دوم، جهت فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه است؛ آن چیزی که به علم هم جان و روح و جهت خواهد داد. در بیانات حضرت امام (ره) و وصیت‌نامه‌ی ایشان، به این نکته‌ی اساسی بسیار توجه شده است. دانشگاه لابلالی و بیگانه از ارزشهای دینی و بیتفاوت و خونسرد نسبت به مفاهیم و جهتگیریهای انقلابی، دانشگاهی که در او نبض انقلاب نزند، دانشگاهی که اعضایش - چه دانشجو و چه استاد - نسبت به حرکت انقلابی ملت ایران و برای پیشاهنگی و پیشقراولی، احساس تکلیف نکند و نقش درجه‌ی یک را در کار انقلاب نداشته باشد، دانشگاهی نیست که امیدبخش و تضمین‌کننده‌ی آینده و مورد نظر امام (ره) باشد.

دانشگاه جهتدار و دیندار، بشدت متمایل به ارزشهای انقلابی و اسلامی است. البته ارزشهای انقلابی از ارزشهای اسلامی به هیچ‌وجه تفکیکپذیر نیست؛ اینها با هم یکی است. کسی نمیتواند بگوید من مسلمانم؛ اما انقلاب را قبول ندارم، و یا بگوید من انقلابی هستم؛ اما اسلام را قبول ندارم! امروز زنده‌ترین تپشهای انقلابی در این جاست؛ بسیج‌کننده‌ترین نیروهای مردمی، این انقلاب است؛ در حالی که سرتاسر دنیا، انباشته از انقلابهای گوناگون است. پس انقلابی غیراسلامی و اسلامی غیرانقلابی نداریم. ارزشهای انقلابی، همان ارزشهای اسلامی است.

شما دانشجویان عزیز باید بدانید نقش دانشجو برای حرکت انقلابی و پیشبرد آن، همچنان یک نقش زنده است. خیال نکنید که انقلاب تمام شد؛ انقلاب ادامه دارد. اگر انقلاب به معنای ایجاد تحول بنیادین است و نوید نجات و سعادت و صلاح برای قشرهای عظیم محروم و مظلوم را میدهد و دشمنهایی در برابر جهتگیریهای آن به صف آرابی برمیخیزند، طبیعی است که این کار هنوز جریان دارد و تمام نشده است. دلیلش، دشمنیها و خصومتهایی است که در دنیا نسبت به ما میشود و نیز حمایتها و محبتها و صمیمیتهایی است که از طرف ملت‌های مظلوم دنیا نسبت به این انقلاب و رهبر آن - که شما این روزها مظهرش را میبینید - ابراز میشود.

مردم یک کشور بیگانه که نه زبان ما را میدانند و نه حتی با الفبای فرهنگ ما آشنا هستند، در فقدان امام عزیز ما به سرشان میزنند و اشک میریزند و پرچم جمهوری اسلامی را جلوی راهپیماییشان حرکت میدهند و به آن افتخار



میکنند. آنها در این مصیبت بزرگ، احساس میکنند پدر مهربانی را از دست داده‌اند.

اگرچه امروز دشمنهای جهانی جمهوری اسلامی تودهنی سختی به وسیله‌ی شما مردم خوردند و انتظارشان از روز و لحظه‌ی در گذشت رهبر کبیر انقلاب برآورده نشد، اما مطمئناً هنوز دست از خصومت و خباثت و توطئه و کید و مکر علیه انقلاب و نظام مظلوم جمهوری اسلامی برنداشته‌اند. ما باید در صحنه باشیم. مردم باید هوشیار و بیدار باشند. دشمنی که در مقابل ماست، دشمنی است که از ارزشهای انسانی بویی نبرده است. اگر ملتی را ضعیف و تسلیم‌پذیر و توسریخور یافت، لحظه‌یی برای ضربه زدن و لگدمال کردن درنگ نمیکنند.

دشمنان ما - این قلدرهای معروف جهانی و در رأسشان امریکا - جز زبان زور و قلدری هیچ چیز دیگر را نمیدانند و درک نمیکنند. این‌طور نیست که ملایمت کردن در مقابل آنها و روی خوش نشان دادن، موجب جلب همکاری یا محبت و یا انصراف آنها از خصومتها و خباثتها شود.

روح فرعون‌ی خبیثی که در طول تاریخ، ملتها و انسانها را همواره لگدمال کرده و مورد ظلم قرار داده، امروز در کالبد همین قدرتها حلول کرده است. آنها هرگونه نرمشی را، دلیلی بر اقتدار خودشان میگیرند. چرا ما در مقابل قدرتهای زورگو و مستبد و ظالم که از بن دندان با اسلام و ارزشهای اسلامی و حقوق و قیام ملتها مخالفند، نرمش بخرج دهیم و احساس ضعف کنیم؟ ما هیچ احساس ضعیفی نمیکنیم و به فضل پروردگار همواره احساس قدرت کرده‌ایم. خداوند آگاه است که امروز از صمیم قلب، در مقابل همه‌ی خصوم جمهوری اسلامی، احساس قدرت و توان می‌کنیم.

ما برای ایستادگی روی اصولمان و حرکت در خط همان اصول و به سمت آرمانهای اعلام‌شده‌ی همیشگی، هیچ چیز کم نداریم. دشمنان خیال نکنند که چون ملت ایران امام و رهبر کبیرشان را از دست دادند، قدرت مقاومتشان را هم از دست داده‌اند؛ اصلاً این‌طور نیست. مردم، امروز مقاومتر از گذشته هستند. همه‌ی ما احساس می‌کنیم که چون عنصر عظیم نیرومند مقتدر عزیزی را از دست داده‌ایم، باید جای خالی او را با احساسات و فکر و تلاش و همبستگی و کارمان پُر کنیم. ملت ایران نشان داد که باید تحلیل‌گرهای سیاسی دستگاههای استکبار، در تحلیلهای خود تجدیدنظر کنند. آنهایی که نسبت به مسایل ایران و آینده‌ی آن و دوران بعد از امام (ره) اظهارنظر کردند، باید یافته‌های خودشان را برگردانند و حرفهای خود را پس بگیرند.

ما قوی هستیم و به عزت پروردگار عزیزیم؛ منتها شما دانشجویان نقش خودتان را فراموش نکنید. آگاهی سیاسی کسب کنید و نسبت به آنچه که میگذرد، هوشیار باشید و انگیزه و تپش جوانانه‌ی انقلابی متناسب با قشر شما، در خدمت هدفهای نظام قرار گیرد.

عده‌یی از افراد ساده‌اندیش خیال میکنند که اگر دانشجو بخواهد حضور انقلابی داشته باشد، راهش این است که بر سر مسؤولان خود داد بکشد؛ خیر، این که انقلابیگری نیست. آن جایی که میبینید دانشجو بر سر مسؤولان امر داد میکشد، مسؤولان با دانشجویان هم‌جهت نیستند؛ آنها مزدور امریکا هستند و این جوانان نمیتوانند طاقت بیاورند و بالاخره فریاد اعتراض میکشند؛ کم‌الین که در رژیم گذشته همین‌گونه بود و دانشجو و طلبه و مردم و وجدانهای بیدار و انسانهای شجاع و روحهای سالم، بر سر مسؤولان امر داد میکشیدند.



مبادا عده‌یی به صورت فریب‌انگیز و با ترفندهای گوناگون بیایند و به چند جوان ساده تفهیم کنند که دانشجو بایستی فریاد بکشد! بله، فریاد باید کشیده شود؛ ولی بر سر امریکا و قدرتهایی که مزاحم مسؤولان و اداره‌کنندگان نظام هستند. در هر دانشگاهی که تحصیل میکنید، حضور دانشجویی خود را به صورت قوی و با خط درست حفظ کنید.

عزیزان دانشجو و جوانهای خوب و باصفا و سالم! تا آن‌جا که در توان و قدرت شماست، در محیط دانشگاه یکپارچگی خود را حفظ بکنید و نگذارید نامهای گوناگون، به معنای جهت‌گیریهای گوناگون تلقی شود و نیروهایی که باید به سمت دشمن بایستند و موضع بگیرند، روبه‌روی هم قرار گیرند؛ مواظب این خطر باشید. مطلقاً نباید اسمها و عنوانها، دیوار به وجود آورند و مرز ایجاد کنند. طرح‌ناوینی مثل دانشجوی این وزارت و دانشجوی آن وزارت، دانشجوی این دانشگاه و دانشجوی آن دانشگاه، دانشجوی دانشگاه دولتی و دانشجوی دانشگاه غیردولتی، انجمن اسلامی این‌جا و انجمن اسلامی آن‌جا، خطرآفرین است.

هنر بزرگ امام ما این بود که این دیوارها را از میانه‌ی اجتماعات مردم برداشت؛ دیوارهایی که فضای عظیم و وسیع و باز را به حفره‌ها و خانه‌ها و کلبه‌های کوچک تبدیل کرده بودند. او یک فضای وسیع ساخت و دلها را با هم آشنا کرد و این نیروی عظیم را به وجود آورد. روح «واعتصموا بحبل‌الله جمیعاً» (1) در سخن و عمل او تجلی یافته بود؛ لذا اگر علی‌رغم اختلاف بعضی از سلیقه‌ها و دیدگاهها، بیاییم و همین خط یکپارچگی و وحدت را ادامه دهیم، در حقیقت روح امام عزیز را احترام کرده‌ایم.

خداوند ان‌شاء‌الله همه‌ی شما را حفظ کند. دانشجویان و استادان و مدیران و نمایندگان روحانی و معلمان و همه‌ی کسانی را که به نحوی در امور دانشگاهها دخالت دارند، مشمول رحمت و هدایت و لطف و فضل خودش قرار دهد. ان‌شاء‌الله خداوند به ما توفیق عنایت فرماید، تا در خطی که امام عزیزمان میخواست و آرزو میکرد، حرکت کنیم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته